

پدیدارشناسی صلح در اندیشه انقلاب اسلامی ایران

دکتر روح اله اسلامی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

Eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران ادبیات سیاسی جدیدی در اواخر قرن بیستم با عنوان ورود اسلام سیاسی به عرصه عمومی به وجود آمد. بازنمایی انقلاب اسلامی با رویدادهایی چون گروگان گیری در سفارت آمریکا، جنگ هشت ساله، حمایت ایران از حزب الله و حماس، طرفداری از جنبش های اسلامی، نفی اسرائیل، نقد غرب و سرمایه داری، ضدیت با رژیم های استبدادی عربی، تلاش برای ناکام گذاشتن آمریکا و ناتو در خاورمیانه، نفوذ داشتن در عراق، افغانستان، لبنان، سوریه و فلسطین، حمایت از انقلاب در یمن و بحرین و ... چهره های خشونت طلب، جنگجو و تروریست از ایران در اذهان منطقه و جهان شکل داده است. این پژوهش سعی دارد با تعلیق آگاهی، شکاکیت و فرا رفتن از قصیدت های قدرت در منطقه و جهان به تفسیر و تحلیل جهان زیست اندیشه انقلاب اسلامی که ریشه در سنت ایرانی اسلامی دارد، بپردازد و نشان دهد که رگه های صلح طلبی، آبادانی، مشارکت مردم و گرایش به امنیت و ثبات در سازه ها و ساختار سیاست ایرانیان بعد از انقلاب وجود دارد. برای این منظور با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی و با ارجاع به متن قانون اساسی و درآوردن پدیدارهای اسلامی، شیعی، انقلابی، ملی و انسانی به واکاوی صلح خواهی ایرانی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، صلح، انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی.

بیان مسئله

در اواخر قرن بیستم ایرانیان، انقلابی ایجاد کردند که در آن مذهب به عرصه عمومی با روایت حکومتی بازگشت (درباره مذهب در حوزه عمومی بنگرید به: هابرماس ۱۳۸۸). مبنای شکل و محتوای دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس روایت فقه شیعی بود یعنی رئیس حکومت را ولایت فقیه نامیدند و نهادهای شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، تشخیص مصلحت و قوه قضائیه وظیفه نگه داشتن شریعت در سیاست را بر عهده گرفتند. این شکل از سیاست گذاری با مبنای فقه شیعی و نهادهای تجربی مبتنی بر سیاست گذاری دینی در طول سی و اندی سال در ادبیات سیاست، بی سابقه بود. علاوه بر سیاست گذاری داخلی ایران در بعد منطقه و بین الملل به دلیل تأثیر تبلیغات و واکنش های کشورهای عربی به رهبری عربستان و غربی ها به رهبری اسرائیل و آمریکا، ایران را محور شرارت و کشور حامی تروریسم معرفی کردند. وقایع زیادی روی داده است که بازنمایی منفی از نقش ایران صورت گرفته است. با آنکه در ایران جامعه مدنی پویا، احزاب قدرتمند، مشارکت شهروندان، حضور زنان در عرصه عمومی، شاخص های توسعه سیاسی و انسانی به وفور یافت می شود اما تصویر کشوری استبدادی، تئوکراتیک، ضد حقوق بشر، خشونت طلب، ماجراجو که تنها روحانیت در آن قدرت دارند به نمایش گذاشته می شود (Marschall 2003).

بعد از اینکه در ایران انقلاب اسلامی روی داد مجموعه حوادث پشت سر هم باعث گردید، بازنمایی منفی تقویت شود. اشغال سفارت آمریکا اولین حلقه از زنجیره ای تداومی بود که موجب شد ایران رو در روی آمریکا و غرب قرار گیرد. بعد از آن جنگ ایران و عراق با تجاوز صدام حسین به مدت هشت سال ایران را در وضعیت بحرانی قرار داد. سپس حمایت ایران از حماس و حزب الله و نفوذ ایران در لبنان و فلسطین و حتی همراهی لیبی و سوریه با ایران بازنمایی منفی و خشونت طلبانه از ایران را تشدید بخشید. پس از آن آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان و عراق لشکر کشی کرد و ایران را محور شرارت نامید. ایران مدام از سوی کمیته ها و شورای حقوق بشر سازمان ملل محکوم می گردید تا اینکه گزارشگر ویژه حقوق بشر برای محکومیت ایران مشخص شد. با آنکه حضور آمریکا و کشورهای متحد او در جهان اسلام جریان های تکفیری و خشونت طلب را تشدید کرد اما همچنان ایران کشوری ضد صلح و طرفدار تروریسم معرفی گردید. انرژی هسته ای پرونده ای جدید بود که با آن تلاش کردند

ایران را بازیگری خطرناک توصیف کنند که می‌خواهد به بمب اتم دست پیدا کند. ایران با زبان مذاکره، دیپلماسی، زور، تهدید و ... با آنها صحبت کرد اما نتیجه‌ای نداشت. غرب با همکاری چین و روسیه تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران اعمال کردند. ایران قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفت و حتی غنی‌سازی بالای بیست درصد را تعلیق کرد. شورش‌های مردمی خاورمیانه با آنکه در امیدواری فراوان آغاز گردید اما بر اثر مداخله خارجی، ناتوانی گروه‌های اسلام‌گرا، نبود زیرساخت‌های لازم و همین‌طور قدرت‌گیری تروریست‌ها بهار عربی را تبدیل به خزان عربی کرد. در این حوادث ایران مثل همیشه راهی مغایر با غرب پیمود و برعکس سیاست‌های اسرائیل، آمریکا و اروپا در منطقه از منطق خاصی پیروی کرد. ایران از بشار اسد حمایت نمود، از قدرت گرفتن اخوان المسلمین مصر خوشحال شد، از به قدرت رسیدن مردم در یمن و بحرین حمایت کرد و با گروه‌های تکفیری مثل داعش با تمام قوا وارد نبرد شد. این رویه برخلاف سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و عربستان است. این وقایع نیز باعث شد که بار دیگر ایران به عنوان کشوری متفاوت قلمداد شود که البته از منظر رسانه‌های غربی ترویج‌دهنده خشونت، تروریسم و حمایت فرقه‌ای در منطقه می‌باشد.

در این سی و پنج سال وقایع گفته شده باعث بازنمایی خشونت طلبی و تروریستی از ایران شده است که مفسران آن را به انقلاب اسلامی و وارد شدن شریعت اسلام در سیاست گذاری می‌دانند (Ricks 1992). البته در قرن بیست و یکم با توجه به نقش امنیت ساز ایران در منطقه، برخی از پژوهشگران راه و طرح ایران را در راستای صلح و جهان بدون خشونت می‌دانند. در مقابل سیاست‌های اسرائیل، آمریکا، ناتو، ترکیه و عربستان، ایران سیاستی متفاوت و موفق را دنبال کرده است. ایران در عین حال که دارای دولت جمهوری اسلامی است و نهادهای ضامن و مفسر شریعت دارد، از دستاوردهای روز و عقل و تجربه بشری نیز استفاده می‌کند. سیاست‌های ایران در منطقه وجوه عقلانی و واقع‌گرای زیادی داشته که به نفع منطقه و جهان بوده است. این پژوهش قصد دارد، نشان دهد علی‌رغم روایت سازی منفی از ایران، پدیدار مبنایی اندیشه و کنش سیاسی ایران دارای وجوه صلح‌گرای زیادی است. تبلیغات اسلام، شیعه و ایران‌هراسی باعث شده است گره‌های اصلی و بحران‌های واقعی جهان به حاشیه کشیده شود و به جای همه آنها ایران قرار بگیرد. عربستان استبدادی که رژیم عشیره‌ای دارد و به مدت چندین دهه از تروریست‌ها حمایت کرده است، ترکیه که داعیه اسلام مدنی دارد و مانع

سرکوب داعش می‌گردد و کشورهای ذره‌ای چون قطر که مرکز فتنه و آشوب و جنبش‌های تروریستی به حساب می‌آیند، کنار گذاشته می‌شوند و تنها کشور منطقه که به طور واقعی با داعش و بنیادگرایان در حال جنگ است؛ یعنی ایران به عنوان محور شرارت و ضد صلح معرفی می‌شود. این پژوهش قصد دارد به مبارزه و نقد علمی روایت‌های ضد ایران بپردازد و نشان دهد جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری تاکنون با ورود اخلاق و شریعت به سیاست تبدیل به الگویی شده که برای منطقه صلح و آرامش را به ارمغان آورده است. ایران سرنوشت محتوم همه کشورهای منطقه است و این موارد که ناشی از استقلال و آزادی دولت ایران است برخاسته از شعارها و آرمان‌های ایرانیان است که در انقلاب اسلامی در قانون اساسی متبلور شده است (Ramazani2008:1-17). ایران کشوری استبدادی، تروریسم پرور، خشونت طلب و ضد صلح نیست بلکه مبانی اندیشه‌ای و پدیدار سیاسی آن که ریشه در جهان زیست‌های قانون اساسی ایران دارد بازیگری معقول، اخلاقی، اسلامی و انسانی را شکل داده است. پرسش این پژوهش چنین است که پدیدارهای صلح‌گرا در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پیشینه تحقیق

متون مربوط به بازنمایی چهره سیاسی ایران در محیط بین‌الملل اغلب وجه منفی دارند و به علت موضوعات ایران، اسلام و شیعه‌هراسی در منطقه و جهان، این بازنمایی خشونت‌آمیز تشدید شده است. کافی است به مجموعه مقالات و کتاب‌ها و یا بورس‌های تحصیلی جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در موضوع ایران مراجعه کرد، مشاهده می‌شود اغلب نوشته‌ها وجه منفی از ایران را بازنمایی می‌کنند. همان‌طور که ایران اسرائیل، آمریکا و غرب را شیطان بزرگ قلمداد می‌کند آنها نیز ایران را با برچسب محور شرارت نام دهی می‌کنند. کافی است نام ایران را در تصاویر گوگل (Google image) جستجو کنید تا مشخص شود چقدر از بازنمایی صلح فاصله داریم. پژوهش‌های صورت گرفته نیز ایران را ضد حقوق بشر، نافی حقوق زنان، ضد دموکراسی، دشمن غرب و طرفدار تروریست‌ها معرفی کرده‌اند و این صفات را با استفاده از پژوهش‌ها تقویت می‌کنند (Honarbin 2010).

ادبیات سیاست خارجی: فرید زکریا، ولی نصر و بابی سعید سیاست خارجی ایران را ضد صلح می‌دانند. اغلب کتاب‌ها در باره سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب تمرکز دارند و چنین

می‌نویسند که بن بست منطقه و حاکم نشدن امنیت برای مسیرهای نفتی به دلیل سیاست خارجی آرمان‌گرای ایران است. این گروه از پژوهش‌ها که مدام از طرف رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های آمریکایی در دنیا تولید و پخش می‌گردد، سیاست خارجی ایران را باعث تفرقه، جنگ و بی‌ثباتی منطقه می‌دانند (Ehteshami 2008).

ادبیات اسلام سیاسی: برخی از پژوهش‌ها مثل تحقیقات سعید امیر ارجمند، آبراهامیان و آصف بیات ایران را کشوری می‌دانند که در سال ۱۳۵۷ به دست اقتدارگرایان مذهبی افتاد. اسلام سیاسی شیعه در ایران به قدرت رسید که اعتقاد چندانی به سیاست خارجی واقع‌گرایانه و حفظ منافع ملی کشور ندارد. اسلام سیاسی شیعه همه هدف خود را بر اساس ایمان و اعتقاد به ولایت فقیه قرار داد و سعی کرد نظم منطقه و بین‌الملل را در جهت منافع ایمانی قرار دهد. ایران کشوری است که از سوی روحانیون تندرو اداره می‌شود و همیشه از جریان‌هایی که قصد داشته‌اند اسلام و سیاست را به یکدیگر نزدیک کنند، حمایت کرده‌اند (Arjomand 2008).

ادبیات تروریسم: در زمان بوش ایران محور شرارت و در انتهای دوره اوباما سال ۲۰۱۵ با آنکه ایران با گروه‌های تروریستی مثل داعش می‌جنگید، در ردیف کشورهای تروریستی معرفی شد و در کنار عراق و سودان قرار گرفت. در دیدگاه غرب ایران بدتر از عربستان، افغانستان، ترکیه و قطر است و همه اخبار و رسانه‌ها بخصوص تحلیل‌های کارشناسان رسانه‌ای آنها ایرانیان را با تروریست برابر می‌انگارند (Hunter 2010).

این پژوهش‌ها، با آنکه ایران حامی ثبات منطقه است و از جنبش‌های دموکراتیک دفاع کرده است و طرفدار دولت‌ها در برابر جنبش‌های رادیکال است و به طور مستقیم با داعش در جنگ است، هنوز تفاوت اسلام سیاسی و فرهنگ شیعیان ایران با سایر اسلام‌گرایان سیاسی را درک نکرده‌اند. پیشینه تحقیق در مورد صلح‌گرایی ایرانیان به دلیل اسلام سیاسی، فرهنگ شیعی و ایران‌هراسی ادبیات زیادی ندارد. تنها آثار پژوهشی و مقاله‌های دکتر روح‌اله رضانی با دید واقع‌گرایانه نشان داده است که ایرانیان مخالف صلح نیستند و در همه دوران کمتر از سایر بازیگران منطقه اشتباه داشته‌اند (Ramazani 2001). این پژوهش قصد دارد با تکیه بر روش پدیدارشناسی و جستجو در منابع و مبانی اندیشه انقلاب اسلامی ایران روایت صلح‌گرایی ایرانیان را ترسیم نماید.

روش‌شناسی (پدیدارشناسی)

یکی از کیفی‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین روش‌ها برای تحلیل اندیشه سیاسی، پدیدارشناسی است. برای پژوهشگرانی که روحیه‌ای فلسفی دارند و قصد دارند فریب ظواهر دنیای مدرن و پسامدرن را نخورند و دیدگاه عمیق نقادانه‌ای به تکنولوژی داشته باشند، پدیدارشناسی کاربرد بسیار زیادی دارد. حیطه کار روش پدیدارشناسی، بررسی و نقد اندیشمندان و مکاتب دوره مدرن و پسامدرن به همراه نقد شدید بر تکنولوژی، صنعت، اطلاعات، علم و هر چیزی است که در دوره جدید به نام عقلانیت غرب در حال مطرح شدن می‌باشد. به قدری پدیدارشناسی بر نقد عقلانیت غرب پافشاری می‌کند که گرایش‌های محیط زیست‌گرا، صلح‌طلب، توسعه روستاها، فلاسفه اخلاقی و عارفان مذهبی؛ پدیدارشناسی را رویکردی درونی و خودی به حساب می‌آورند.

اولین متن مکتوب پدیدارشناسی در دهه سی و چهل قرن بیستم از سوی ادموند هوسرل در فضای سرخوردگی از عقل غربی شکل گرفت. ادموند هوسرل به نقد سوژه محوری مدرنیته که توسط دکارت آغاز شده بود، پرداخت و گفت: شکاکیت دکارت برای عبور از سنت متصلب قرون وسطی نقطه بسیار خوبی بود اما در ادامه خطایی توهمی را شکل داد (هوسرل، ۱۳۸۱: ۷۸). دکارت به جای اینکه بگوید: من می‌اندیشم پس هستم، می‌بایست بگوید: من می‌اندیشم پس اندیشه وجود دارد. ایده استعلا توسط دکارت و هگل نیز مطرح شده بود اما آنها نتوانستند از متافیزیک فکر غربی خارج شوند. هوسرل نشان داد با تسلیم شدن عقلانیت به علم به همراه قصدیت ریاضی کردن جهان طبیعی و انسانی بلایای جنگ، مریضی، خشونت و ناآرامی افزایش پیدا کرد. علم و مدرنیته عقلانیت بی طرف نبودند، بلکه در ذات خود قصدیت بیشینه کردن سود و افزایش لذت به نحو نابرابر را به دنبال داشتند. هوسرل در فضایی آکادمیک به نقد عقل مدرن و علمی پرداخت و تمام تلاشش این بود که با اپوخه و تعلیق کردن علم و تکنولوژی و باز کردن جای فلسفه، بحران در عقلانیت غرب را نشان دهد (رشیدیان ۱۳۸۴: ۱۶۹).

پدیدارشناسی علمی هوسرل را شاگردش علی رغم تمایلات متفاوت سیاسی ادامه داد و وجهی وجودشناسانه به آن بخشید. هایدگر روستازاده‌ای کاتولیک بود که مخالف گسترش تکنولوژی و صناعات جدید تمدن مدرن به آلمان بود. او اعتقاد داشت، مدرنیته خداوند را نابود کرده است و در حالی که خود ادعای مبارزه با متافیزیک و سنت و همچنین شیوه‌ای

متافیزیکی و دیناتی دارد. مدرنیته و عقلانیت علمی دارای وجه متافیزیکی هستند، که پرسش از خود را برنمی تابند و علی رغم ناکارآمدی های بسیار زیادی که دارند بر تداوم ویرانی بشر و بی خانمان کردن او تلاش می کنند. علم غربی با توجه به جدایی سوژه از ابژه هیچ دلبستگی به انسان و طبیعت ندارد و با خدا دانستن عقل خود فکر می کند که می تواند برای تمام هستی برنامه بنویسد. هایدگر می گوید: «انسان موجودی ضعیف و گرفتار در ساختارهایی چون زبان، تاریخ و از همه مهم تر هستی است» (هایدگر ۱۳۸۶: ۱۹۳). انسان یا همان دازاین پرتاب شده در هستی است و هر کنشی از سوی انسان به طبیعت و خود انسان دارای عکس العمل هایی است، که نباید نادیده گرفته است. تمام درختان، اشیاء و موجودات هستی دارای شعور هستند و زمین، آسمان و تمام هستی حق زیستن دارند و انسان باید دانشی تولید کند که با همدلی و عشق نگهبان و شبان هستی باشد (جمادی ۱۳۸۵: ۶۴۷).

تحقیقات پدیدارشناسانه با رویکرد بسیار کیفی و اندیشه ای برای نقد تکنولوژی های مدرن و پسامدرن قدرت کاربرد فراوان دارند. هایدگر اعتقاد دارد عمده مشکل روش های اثباتی این است که با جدایی سوژه از موضوع مورد بررسی توان وجودی تکنولوژی را به منزله یک هستی کامل دست کم می گیرند. بسیاری اعتقاد دارند که در برخورد با تکنولوژی های رسانه ای، اطلاعاتی و ارتباطی گزینشی برخورد می کنیم در حالی که تکنولوژی جهان زیستی است که با خود، فرهنگ مربوط به خود را می آورد و انسان ها را در دایره ای جبری قرار می دهد که ناخودآگاهانه ملزم به پذیرش و رعایت اصول و قواعد آن می شوند. موبایل، اینترنت، کارخانه، ماهواره، مسجد، دانشگاه، راه آهن و سایر وجوه تکنولوژی، فرهنگ خاص خود را به همراه می آورند و اغلب نیز بنای به هم زدن رابطه میان انسان و هستی را دارند.

در نتیجه، روش پدیدارشناسی در تحلیل سیاسی، همدلی زیادی با موضوعاتی دارد که صبغه مذهبی دارند و یا عارفانه و شاعرانه به شمار می روند. پدیدارشناسی دغدغه وجود خداوند و با سکولاریسم مشکل دارد. برای اندیشمندان سیاسی که در پی نقد غرب صنعتی و پساصنعتی می باشند و می خواهند پیامدهای مخرب عقل غربی را در بعد تکنولوژی به چالش بکشاند، این روش کاربرد دارد. البته این روش نیز ظاهراً تحقیق را به عهده خود پژوهشگر می گذارد اما به لحاظ معرفت شناسی و رویکرد نقادانه فرضیه های جالبی را به متفکران سیاسی نقاد غرب پیشنهاد می کند (بنگرید به اسلامی ۱۳۹۴: ۵۴-۵۶). نحوه کاربردی شدن پدیدارشناسی

در مورد موضوع مورد بحث چنین است: ابتدا تمام پژوهش‌هایی که با قصدیت قدرت ایران را خشونت‌گرا، جنگ طلب و تروریستی معرفی می‌کنند، کنار می‌گذاریم. دوم در گزاره‌های کلیشه‌ای و بدیهی انگاشته شده‌ای که الگوی اسلام سیاسی ایران را شکست خورده معرفی می‌کنند، شک می‌کنیم. سوم به متون اصیل اندیشه‌ای و جهان زیست‌های مهم انقلاب اسلامی ایران رجوع می‌کنیم. چهارم در پیوند قانون اساسی و تحولات سیاسی نسبت جهان‌زیست جمهوری اسلامی ایران با صلح را تعیین می‌کنیم. به یک معنا در این نوشتار با استفاده از روش پدیدارشناسی سعی در رجوع به اصل واقعیت داریم و اعتقاد داریم جهان‌آنگونه که ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، نیست.

جدول شماره ۱: پدیدارهای صلح‌گرا در جمهوری اسلامی ایران



۱- صلح در پدیدار اسلامی جمهوری اسلامی ایران

اسلام ماهیت انقلاب اسلامی ایران را شکل داده است و روایت اسلام‌گرایی محتوای رفتار جمهوری اسلامی ایران را سامان‌دهی می‌کند. در قانون اساسی ایران اصل چهارم عنوان کرده است که همه قوانین در ایران باید مغایرت با شریعت نداشته باشد. نهادهای زیادی در ایران بر

اساس وارد کردن شریعت به سیاست و اجتماع طراحی شده اند. نهاد ولایت فقیه اصلی ترین مرکز تعیین سیاست های کلان کشور است که ضمانت اسلامیت نظام به شمار می رود. علاوه بر این نهادهای شورای نگهبان، تشخیص مصلحت، خبرگان رهبری، صدا و سیما، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ... وظیفه تولید و توزیع گزاره های اسلامی را به عهده دارند. در ایران برای ترویج اسلام در داخل و خارج هزینه های زیادی مصرف می گردد و بر همین اساس بسیاری اعتقاد دارند که ایرانیان خود را رهبر جهان اسلام می دانند و قصد نفوذ فرهنگی در منطقه را دارند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر بعد داخلی به جنبه خارجی نیز بر اساس اسلام توجه شده است. جمهوری اسلامی کشوری است که ظلم نمی کند و ظلم را نمی پذیرد، اجازه زدن هیچ پایگاه نظامی خارجی در کشور را نمی دهد، در امور داخلی کشورها مداخله نمی کند. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران دفاع از حقوق مسلمانان و ایجاد امت اسلامی است. ایران همیشه برای وحدت جهان اسلام تلاش کرده است و قانون اساسی نیز چنین مسئولیتی بر عهده دولت قرار داده است. در قانون اساسی آمده است: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد (قانون اساسی: اصل ۱۱). ایرانیان معروف شده اند به کسانی که از جنبش های اسلامی حمایت می کنند و عامل اصلی خشونت، تروریسم و جنگ های فرقه ای در منطقه به حساب می آیند. آنچه در قانون اساسی ایران نوشته شده است حمایت از جنبش های اسلامی و دفاع از وحدت جهان اسلام برای شکل دهی به امت اسلامی است. امت بر پایه عقیده شکل می گیرد و با جماعت های انسانی که بر اساس خون، نژاد، خاک و زبان ایجاد می گردد، متفاوت است. ایمان گونه ای از روایت دینی است که بر اساس آن انسان های هم مشرب و عقیده برای ایجاد جامعه ای جهانی تلاش می کنند. این روایت در منظومه فکری موسسان جمهوری اسلامی همچون طالقانی، مطهری، شریعتی و خمینی وجود داشت. مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می نویسد:

مرزهای جغرافیایی که امروز ملت های جهان را از هم جدا کرده است بر

اساس فعالیت کشورهای استعمارگر است و ما مسلمانان باید بر اساس عقیده و ایمان با یکدیگر ارتباط داشته باشیم. هویت ما قبیله و نژاد نیست بلکه عقیده اسلامی است (۱۳۶۲).

شریعتی نیز سیاست را بر اساس شهرمحوری یونان تعریف می‌کند و می‌گوید الگوی سیاسی در جهان اسلام همان رابطه امام و امت است که بر اساس سیاست‌گذاری هدایتی و نه مصرف‌گرایانه شکل یافته است (۱۳۹۲). بعد از آنکه انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد ملت و جماعت ایمانی آن هم در بعد جهانی در قالب الگوی صدور انقلاب در دستور کار قرار گرفت. ایران از جنبش‌های اسلامی خصوصاً از فلسطین حمایت کرد، در لبنان حزب‌الله تقویت گردید، شهروندان ملت‌های استبدادی عربی به قیام علیه حاکمان فاسد فراخوانده شدند و ایران به محور مقاومت و انقلابی‌گری در منطقه تبدیل گشت. ایران به روسیه، لیبی، اخوان المسلمین، جنبش‌های آزادی بخش فلسطین نزدیک شد و منطقه با شوک بیداری اسلامی مواجه گردید. با حمایت آمریکا و کشورهای منطقه مخالفت‌های زیادی با اندیشه و کنش سیاسی ایران صورت گرفت که در نهایت به جنگ هشت ساله ایران و عراق منجر شد. صدام حسین با حمایت غرب و کشورهای محافظه کار منطقه به ایران حمله نمود و دولت ایران به سمت دفاع از تمامیت ارضی و شکست صدام و همین‌طور بودجه کشور در این هشت سال به سمت امنیت و دفاع حرکت کرد.

کالبنه‌های سازندگی و بعد از آن نیز دیگر نتوانستند بر صدور انقلاب تاکید داشته باشند و درآمدها می‌بایست صرف بازسازی کشور، رفع مشکل بیکاری و سازندگی گردد. ایران با شور و هیجان وحدت جهان اسلام کنار آمد و واقع‌گرایانه تر سیاست خارجی را تنظیم کرد. با آنکه وحدت جهان اسلام، تشکیل امت اسلامی جهانی، حمایت از جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان هدفی متعالی بود اما ایران توان و پتانسیل لازم برای این هدف را نداشت. کشورهای منطقه به علت هویت‌های عربی و اهل سنت قبول نمی‌کردند که ایران با هویت فارسی و اهل تشیع برای آنها برنامه ریزی کند و نقش رهبری منطقه را در بیداری اسلامی ایفا کند. دولت ملی اصلی‌ترین بازیگر عرصه سیاست جدید می‌باشد و شاید بنا نهادن نظم جدید سیاسی بر اساس عقیده دینی به نحوی که سرنوشت واحدهای سیاسی قرون وسطی را پیدا نکند، نیاز به طراحی دقیق تر و هزینه‌های بیشتر داشته باشد که از توان ایران به دور است. در قرون وسطی

واحدهای سیاسی بر اساس سامانه مذهبی مسیحیت و بخصوص فرقه های مختلف طراحی گردید که منجر به جنگ های مذهبی و کشتار میلیونی گردید. چگونه می توان ملت را که یکی از شاخص های تشکیل دولت در عصر جدید است را بر اساس ابهام عقیده طراحی کرد؟ نژاد، زبان، تاریخ، خاک و ... جز عناصر هویتی هستند اما اصلی ترین عامل شکل دهی به ملت حاکمیت حکومت در قلمروی سرزمینی است. همه شهروندانی که در قلمروی سرزمینی زندگی می کنند ملت یک دولت هستند و از حقوق مساوی برخوردارند. اگر این قاعده را به هم بریزیم و از همه جنبش ها، مسلمانان و گروه های اسلامی که فکر می کنیم به ما نزدیک هستند حمایت کنیم، قلمروهای سرزمینی به هم خواهد ریخت، بی ثباتی به وجود می آید، در امور داخلی کشورها مداخله می شود و راه برای عملیات های تروریستی باز می شود.

ایران با همه این شعارها و بازنمایی های منفی در اندیشه و کنش سیاسی اغلب جانب واقع گرایی و صلح اندیشی را رعایت کرده است. با وجود انتخابات، جامعه مدنی و چرخش نخبگان در نظام سیاسی، تکنیک های سیاست خارجی متفاوت بوده است. ایران در پیامدهای منطقه ای نیز از دولت های ملی عراق، افغانستان، سوریه و یمن حمایت کرده و هر گاه سخن از تجزیه و جنگ داخلی بوده منافع مردم را در نظر گرفته است. آشوب، بی ثباتی، اقدامات تروریستی و جنبش های رادیکال نتیجه حمایت آمریکا، اسرائیل، ترکیه، عربستان، قطر و پاکستان از جنبش های مختلف اسلامی است. ایران با داعش و بنیادگرایان در حال جنگ است و از ثبات، امنیت، صلح و تمامیت ارضی کشورهای اسلامی دفاع می کند. ایران، صلح محورترین کشور به لحاظ تعادل میان دفاع از مصلحت دولت و شهروندان در خاورمیانه است و آنقدر در موضوعات پس از جنبش های مردمی قرن بیست و یکم اخلاقی و مبتکرانه عمل کرد که امروز بدون در نظر گرفتن ایران و حمایت از الگوی ایران جهت رسیدن به صلح، وضعیت منطقه رو به راه نخواهد شد. این مورد را روسیه، آمریکا و کشورهای اروپایی قبول دارند که راه ایران و شیوه رفتاری این کشور در مواجهه با بحران های منطقه به عنوان الگویی یکدست و آبرومند قابل استفاده است. با همه این احوال ایران باید کمی در وجهه اسلامی خود به لحاظ شاخص های علم سیاست تجدیدنظر انجام دهد بخصوص در مفهوم ملت و ارتباط آن با دولت و همین طور نحوه ارتباط با سایر دولت ها و ملت های منطقه که هر گونه انفعال یا حرکت رادیکال می تواند تبعات منفی بر درآمد ملی و همین طور امنیت ملی کشور داشته باشد. برای صلح هیچ معیاری

بهرتر از افزایش توان ملی، ائتلاف با کشورهای همسایه و احترام به حاکمیت کشورهای دیگر نیست. دولت موجودی عقلانی و یکی از دستاوردهای عقل بشری است که اگر به هر بهانه‌ای از بین برود و یا ضعیف شود، صلح از میان خواهد رفت. نباید در ایران قرائت‌هایی از اسلام صورت گیرد که مغایرت با شاخص‌های دولت داشته باشد و به اسم حمایت از مسلمانان، جنبش‌های اسلامی یا امت اسلامی، تضعیف و نابودی دولت‌های کنونی اسلامی را در دستور کار قرار دهد. اگر ایده مترقی امت اسلامی قرار است، محقق گردد نیاز به مباحث و تکنیک‌های منطقه‌گرایی و همگرایی است که در علم سیاست از آن بحث می‌شود. یکی از بدیهیات منطقه‌گرایی و تکنیک‌های همگرایی داشتن دولت ملیت‌های قدرتمند و ارتباط زیاد کشورها با یکدیگر است. در هیچ کجای دنیا وحدت و همگرایی با نابودی و تضعیف دولت به وقوع نپیوسته است.

۲- صلح در پدیدار شیعی جمهوری اسلامی ایران

ایران بعد از صفویه کشوری کاملاً شیعی گردید چرا که مذهب تشیع به صورت رسمی مشروعیت حکومت را تعیین می‌کرد. علما از عراق و لبنان به ایران آمدند و برای اولین بار به‌طور رسمی شیعه دارای هویت سیاسی و نظام مستقل حکومتی قدرتمند گردید. جمهوری اسلامی ایران در میراث تشیع جنب و جوش زیادی ایجاد کرد و به اندازه صفویه به شیعیان خدمت نموده است. همه نمادها و آیین‌های تشیع زنده گردید و سیاست داخله و خارجه بر اساس میراث شیعه سامان دهی شده است. ولایت فقیه که اصلی‌ترین نهاد تعیین سیاست‌های کلان، فرمان دهنده برای جنگ و صلح، حل اختلاف قوا و فرمانده کل نیروهای مسلح می‌باشد از نظام سیاست شیعه که مبتنی بر امامت است گرفته شده است. در ایران روحانیون شیعه به خصوص فقها که در حوزه علمیه درس می‌خوانند قوه قضائیه، شورای نگهبان، کارمندان نهادهای مذهبی، اوقاف، مراکز دینی و مساجد و اغلب بنیادهای حکومتی را در اختیار دارند. فیلتر کننده، مرجع تصمیم‌گیری، روایت‌نهایی حل اختلافات سیاسی به روایت‌های فقهی بازمی‌گردد. فقه شیعه در جمهوری اسلامی ایران به خصوص با قرائت علی شریعتی و امام خمینی روایت‌های استبدادی و پادشاهی صفویه از میراث تشیع را کنار زد و به صورت مستقل ارائه دهنده جمهوری و الزامات جدید حکمرانی در جهان زیست سیاسی تشیع گردید. جمهوری اسلامی ایران برای ائمه احترام زیادی قائل است و شهادت‌ها و تولد ائمه روزهای غم و

شادی مردم به حساب می‌آید. بخصوص ایام محرم و عزاداری‌های تاسوعا و عاشورا و همین‌طور غدیر نمادهای آیینی شیعیان هستند که نظام سیاسی از تقویت و فراگیر شدن آنها حمایت می‌کند. روایت اصلی هویت بخش و ایدئولوژی رسمی و مورد حمایت حکومت تشیع می‌باشد. تشیع علاوه بر اینکه شکل و محتوای سیاست داخله ایران را شکل می‌دهد، در منطقه نیز نقشه راه حمایت از کشورها را ترسیم می‌کند به طوری که مردم و جنبش‌های تشیع برای ایران اولویت دارد. ایران برای کشورهایی که در آنها مراکز زیارتی شیعیان وجود دارد، حمایت زیادی انجام می‌دهد. به عنوان مثال، با روی کار آمدن داعش و حرکت آنها در جهت تخریب میراث آیینی و حرم‌های ائمه و صحابه پیامبر^(ص)، ایرانیان به صورت رسمی به گروه‌های تکفیری و تروریست اعلام جنگ کردند. ایران در سوریه و عراق از شیعیان حمایت می‌کند و مبارزانی که در راه بیرون کردن داعش در حال فعالیت هستند، به عنوان مدافعین حرم برچسب خورده‌اند. تشیع در سیاست خارجی ایران به عنوان منبع رفتاری محسوب می‌گردد هر چند ایران از تمامیت ارضی همه کشورها دفاع کرده است اما جهت‌گیری خاصی در مورد آیین‌ها و نمادهای شیعه دارد. ایران در منطقه قفقاز و جمهوری‌های استقلال یافته مثل آذربایجان دخالت نمی‌کند و هر زمان ظلمی علیه مسلمانان و شیعیانی که در حیطه نفوذ روسیه هستند، اعمال می‌گردد به صدور بیانیه و گزاره‌های کلامی اکتفا می‌کند. در مورد یمن و بحرین ایران علاقه‌مند است که شیعیان قدرت را بگیرند و رژیم‌های استبدادی وابسته کنار گذاشته شوند. اما این دو کشور و شیعیان عربستان تحت سلطه آل سعود هستند. عربستان به طور مشخص و رسمی به بحرین و یمن لشکرکشی کرده است در حالی که ایران به صورت دیپلماتیک از شیعیان این دو کشور حمایت می‌کند و اگر کمک و مشاوره نظامی است به صورت مخفیانه و غیررسمی صورت می‌گیرد. ایران در باره عراق، سوریه، لبنان و فلسطین به صورت رسمی و کاملاً حساب شده وارد نبرد شده است و عمق استراتژیک خویش را حتی در صورت تقابل با آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عربستان به این مناطق بسط داده است. ایران از بشار اسد حمایت کرده است و می‌خواهد علویان در قدرت باشند. ایران از حزب اله لبنان حمایت می‌کند و حتی به آنها در مبارزه با اسرائیل، داعش و گروه‌های تکفیری همه‌گونه حمایت انجام داده است. ایران به کردهای عراق و دولت عراق کمک کرده است تا در قلمروی داعش قرار نگیرند. دفاع از حرم و مناطق شیعه نشین و همین‌طور ایستادگی در برابر گروه‌های تکفیری تروریستی از اهداف

ایران در قرن بیست و یکم می‌باشد. این گونه رفتار کردن باعث شده است عربستان، ترکیه و اسرائیل به تقویت گروه‌های تکفیری تروریستی با همراهی اروپا و آمریکا بپردازند تا جلوی نفوذ ایران در منطقه را بگیرند. به اعتقاد عربستان، ایران در حال تکمیل هلال شیعی از لبنان و سوریه تا یمن، بحرین، عراق، افغانستان و آذربایجان می‌باشد. بازنمایی ترسناک رفتار ایران از سوی رسانه‌های منطقه و جهان باعث صف‌آرایی در منطقه گردیده است. چند عامل باعث شده که ایران بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و در سال ۲۰۱۵م. بازگرداندن صلح به منطقه کلیشه‌های نادرست در مورد هلال شیعی کنار گذاشته شود. تروریسم به اروپا کشیده شد، داعش قدرت زیادی گرفت، عربستان وارد جنگ بی‌پایان با یمن گردید، روسیه با داعش وارد جنگ مستقیم شد، ترکیه هواپیمای روسیه را ساقط کرد و بهای نفت به پایین‌ترین میزان خود در بیست سال گذشته رسید. این عوامل باعث شده است که در باره اندیشه سیاسی شیعه، مدل حکومتی ایران، شیوه مبارزه ایران با تروریست‌ها، امنیت داخلی ایران، رابطه تروریست‌ها با ترکیه، عربستان و قطر بازنندیشی صورت گیرد و شیعیان به عنوان گروهی صلح طلب معرفی گردند.

شیعیان در طول تاریخ جنگ طلب نبوده‌اند به نحوی که در اندیشه شیعه سیاسی مفاهیمی چون، امامت، عقلانیت، عدل، مصلحت، تقیه و غیبت باعث شده است به سمت جنگ مستقیم و اقدامات بنیادگرایانه رادیکال حرکت نکنند. شیعیان اغلب در طول تاریخ در اقلیت بوده‌اند و مخفیانه زندگی می‌کردند. گروه‌های دیگر آنها را تعقیب و به جرم داشتن عقاید شیعی زندانی یا اعدام می‌کردند. شیعیان با توجه به اعتقاد به امامت همیشه از رهبر خویش اطاعت می‌کنند بخصوص در زمان غیبت در اجرای احکام اسلامی و در زمان جهاد بدون اذن رهبر کاری انجام نمی‌دهند. شیعیان اعتقاد ندارند که باید دیگران را با جنگ و حمله به دین دعوت کرد و جهاد ابتدایی را مخصوص حکم امام می‌دانند. تنها در صورتی جهاد صورت می‌گیرد که کشور مورد حمله قرار گیرد. شیعیان اغلب گروهی آرام، منطقی و صلح‌جو بوده‌اند و حتی امام حسین^(ع) به عنوان الگویی مقاوم در برابر یزید، خلیفه نامشروع، که عهد پدرش با امام حسین^(ع) را رعایت نکرد در ابتدا قصد جنگ نداشت و با توجه به اجبار بیعت وارد نبرد گردید (فیرحی ۱۳۹۳: ۲۵۲-۲۴۹).

فرهنگ ایرانی نیز به تشیع نزدیک است بویژه به لحاظ ساختاری که ایرانیان یکجانشین بودند و با کار و آبادانی دنیا امور خود را سپری می‌کردند، به نحوی که جنگ و رفتارهای متعصبانه

برای ایرانیان مهلک بود. صلح و امنیت برای ایرانیان آبادانی و سعادت به همراه داشت و جنگ و خشونت تمدن آنها را نابود می کرد. اغلب خشونت ها به دلیل اجرای به زور احکام اسلامی و اعتقاد به جهاد ابتدایی است. شیعیان اعتقادی به تحمیل اجباری عقاید و راه اندازی جنگ ندارند و هر دو را به ظهور امام زمان ارجاع می دهند. فرهنگ شیعی با توجه به مبانی عقلانی و مصلحت محوری و همین طور اعتقاد به ظهور امام از اقدامات جنگ طلبانه و خشونت آمیز به دور است. این نگرش در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد و ایران به هیچ کشوری حمله نمی کند و تنها در برابر تهاجم و ظلم ایستادگی می کند.

۳- صلح در پدیدار ملی جمهوری اسلامی ایران

ایرانیان دارای فرهنگ ملی هستند و به گفته برخی از متفکران چون دکتر طباطبایی ایران خود فلسفه ای است که دارای نظام اندیشه گانی است. راز ماندگاری ایرانیان در طول تاریخ صلح دوستی و رواداری بوده است که نسبت به دیگران داشته اند. موقعیت جغرافیایی ایران به گونه ای است که نمی تواند منزوی و گریزان از سایر بازیگران باشد. اغلب ارتباطات شرق و غرب، شمال و جنوب از ایران صورت می گرفته است و با آنکه ایرانیان خود را قبله عالم می دانند اما بیش از همه تمدن ها از دیگران آموخته اند. ایران با تمدن های چین، هند، یونان، روم و حتی قبایل عرب و مغول رابطه برقرار کرده است اما هیچ گاه به لحاظ فرهنگی از ایرانی بودن خارج نگردیده است. هویت ایرانی یعنی مجموعه فرهنگ و آداب رسومی که در فلات ایران حاکم بوده است در اثر برخورد با تمدن ها و قبایل بیابانگرد نابود نشده است و به صورت تداوم تا زمان فعلی ادامه یافته است. اعتقاد به یکجانشینی، آبادانی زمین، عقلانیت معاش، اخلاق گرایی و آرمان اندیشی، فرهنگ قدسی، تاریخ قدسی، اشته و نظم زمینی، کیهان اندیشی و ... از عناصر اندیشه ایرانی است. اغلب این شاخص ها با صلح قابل جمع است چرا که بدون گوش سپردن، رواداری، تکثر گرایی و اخلاق امکان رسیدن به جامعه مد نظر ایرانیان وجود ندارد.

ایران شهر مرکز عالم و جغرافیای مفهومی قلمروی سرزمینی فلات ایران است که در عصر هخامنشیان تا ساسانیان توانست الگوی صلح ایرانی را شکل دهد (ملایری ۱۳۷۵: ۳۷). برای اولین بار در تاریخ موسس ایران یعنی کوروش رسم برده داری را کنار زد به جای کشتار، تجاوز و عصبیت های مذهبی روایت های انسانی و صلح آمیز را حاکم نمود. تولد ایران باستان با منشور

حقوق بشر کوروش همراه است که در آن از حقوق برابر انسان‌ها و آزادی‌های آنها نام برده شده است. کوروش در زمانی که پادشاهان دیگر فتوحات و جنایت‌های خود را به عنوان سند افتخار ثبت می‌کردند، سر برآورد و ثابت کرد که شیوه انسانی و روادارانه حکمرانی استاندارد است و از این به بعد باید از شیوه او که در سنگ نوشته‌ها ثبت شده است، استفاده کرد. همه آزاد هستند، برابری انسان‌ها پذیرفته شده است، ادیان آزاد هستند و هیچ‌کس را نباید مورد تهدید و تفتیش عقاید قرار داد. این مبنای انسانی نمایان‌گر تحول خرد حکومت‌مندی است که ایرانیان مؤسس آن به شمار می‌روند. بعد از حمله اعراب همانند حمله اسکندر هویت ایرانی با خطر نابودی مواجه گردید؛ اما ادبیات فارسی از آن روزگار تلخ تا عصر حاضر وظیفه حمایت و ستایش از هویت ملی را برعهده دارد. بخشی از ادبیات فارسی به اندیشه شاعران و نثرنویسان ایرانی اختصاص دارد که به دنبال احیای میراث باستانی می‌باشند. در حالی که دستگاه خلافت و اندیشه‌های دگم و متعصبانه با رجوع به گذشته و صدر اسلام هرگونه خشونت و جنگ را تقدیس می‌کردند؛ رشد و توسعه تمدن ایرانی در پرتو کار، تلاش و آبادانی خلاصه می‌شد که در طبقات یکجانشین تاجر، کشاورز و صنعت کار مشاهده می‌گردید. وضعیت صلح اوضاع مساعدی برای ایرانیان فراهم می‌کرد و هرگونه جنگ، تکفیر و خشونت ایده ایران را با خطر مواجه می‌ساخت. ایرانیان برای مقابله با استبداد سیاسی و مذهبی به سمت قلعه، قنات و وقف حرکت کردند به گونه‌ای که همچنان صلح و دستگاه معرفتی روادارانه منافع و امنیت ایران را شکل می‌داد.

بر اساس جهان زیست ملی‌گرایی، صلح جز الزامات تمدن ایرانی است و ارتباط زیادی با یکجانشینی و تولید دارد. جنگ برای قبایل و جمعیت‌های کوچ رویی است که از راه تعصب و غنیمت‌معیشت خویش را شکل می‌دهند. آبادانی جز اصول ایرانشهری است که نتیجه آن صلح و آرامش است. در جنگ، خشونت، تعصب، بی‌ثباتی و آشوب نمی‌توان عمران و آبادانی انجام داد و این مورد را ایرانیان بخوبی می‌دانستند. در ادبیات اندرزنامه نویسی ایران همیشه برای برقراری ثبات راهکار ارائه شده است و در این متون سعی گردیده است تا حد ممکن بر صلح و مدارا پافشاری گردد. فردوسی برآمدن تازیان در ایران را نقد می‌کند و می‌گوید اگر آنها قدرت بگیرند تاج و تخت و ثبات را به هم خواهند زد. قبیله‌ها همیشه خرابی به بار می‌آورند و منطق عصبيت بر کردار آنها حاکم است. فردوسی در مورد حمله قبایل وحشی تازیان می‌سراید:

نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر از اختر همه تازیان راست بهر.
ز پیمان بگردند و از راستی گرمی شود کژی و کاستی.
کشاورز جنگی شود بی هنر نژاد و هنر کمتر آید به بر.
زیان کسان از پی سود خویش بجویند و دین اندر آرنده پیش
(فردوسی ۱۳۸۹: ۴۱۹-۴۲۰).

این قبایل بر اساس غنیمت، تعصب و عقیده دینی می‌جنگیدند و با صلح سرسازش نداشتند. اغلب ادبیات فارسی ایران در مواجهه با تندروی‌های خشک مذهبی شکل گرفته است که مردم را به سمت ریاکاری و خشونت سوق می‌دادند. سعدی با شکوه می‌سراید:

بمردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی بریزد زمین (سعدی ۱۳۷۷).

علاوه بر مبانی طبقاتی و اندیشه‌ای، ایرانیان از دیرباز طرفدار موسیقی، جشن و شادی بوده‌اند. جشن‌های نوروز، سده، مهرگان و یلدا برای یکجانشینی و گریز از تکرار ملامت آمیز بود. این فرهنگ در انقلاب اسلامی ایران نیز نمود پیدا کرد. فرهنگ ملی یعنی خودکفایی، استقلال، عزت نفس، حفظ تمامیت ارضی، دفاع از هویت ملی ایران که در قانون اساسی موارد زیادی برای الزام دولت به حفظ و پیگیری آنها آورده شده است. در قانون اساسی آمده است: "در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است" (قانون اساسی: اصل ۹). بیشترین میزان حدنصاب برای مصوبه تعیین مرزها در مجلس عنوان گردیده است. حفظ تمامیت ارضی وظیفه دولت است و از سوی دیگر، در انقلاب اسلامی ایران به استقلال دست پیدا کرد. در قانون اساسی آمده است: "وظیفه دولت تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور است" (قانون اساسی: اصل ۳).

قبل از انقلاب اسلامی یعنی دوره پهلوی ایران طرفدار غرب بود تا جایی که جنگ‌های نیابتی برای آمریکا و اروپا انجام می‌داد. امام خمینی عنوان کرد که ایران دارای منافع ملی است و در این راستا باید مستقل باشد. بعد از جنگ ایران و عراق رویه‌های آرمان‌گرایانه سیاست خارجی ایران کم‌رنگ‌تر شد و باعث شد وجوه ملی‌گرایانه در سیاست داخله و خارجه افزایش پیدا کند. نظریه ام‌القری وجهه ملی‌گرایانه دارد و عنوان می‌کند اصل، حفظ کشور و دولت ایران است چرا که مرکز و الگوی رفتاری سایر کشورهای اسلامی می‌باشند. بتدریج

اعراب رو در روی ایران قرار گرفتند چرا که اسلام سیاسی شیعی در ایران را ادامه دهنده راه رافضیان و زرتشتیان می دانستند. بعد از انقلاب، ایران به هیچ کشوری حمله نکرد و در منطقه نیز زمینه های همگرایی و صلح را فراهم نمود. اعراب، ترکیه و گروه های تندرو در جهت مهار ملی گرایی نهفته در پس ذهن سیاستمداران و اندیشمندان ایرانی از هیچ اقدامی دریغ نکردند. در زمان کنونی نیز گروه های متعصب و کشورهای تندرو از خشونت و جنگ دفاع می کنند و بر اساس جهان بینی ملی، ایران کشوری است که از صلح در منطقه دفاع می کند. دشمن اصلی و نابودگر داعش و تروریسم در منطقه ایران است به گونه ای که عربستان، ترکیه، آمریکا و اروپا بدون در نظر گرفتن قدرت ایران در بازی خشونت بار منطقه، روی آرامش را نخواهند دید. داعش، عربستان و بسیاری از کشورهای اسلامی رفتار جمهوری اسلامی را بر اساس پندار ایران باستان تحلیل می کنند و اعتقاد دارند که ایران از نظر نظامی و جنگ در حمله تازیان شکست خورد اما به لحاظ فرهنگی و هویتی دوباره زنده گردید. امام خمینی^(ع) عزت منطقه و جهانی را به ایران بازگرداند و انقلاب اسلامی باعث شد ایران منطقه ای امن و طرفدار صلح شناسایی شود. این مورد اکنون در قرن بیست و یکم بهتر مصداق دارد تا فضای آشفته و تازه ایجاد گردیده ی پس از جنگ سرد که آشوبی نهفته در خود حمل می کرد.

۴- صلح در پدیدار انقلابی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش روی داد و در باره پیش بینی، زمینه ها و نتیجه آن اغلب تحلیل گران از رویکردهای مدرن تا پست مدرن اشتباه کردند (Axworthy 2013: 133-150). تا امروز نیز آنچه در مورد انقلاب، امام خمینی^(ع)، نظام سیاسی ایران می نویسند برگرفته از جو اسلام و ایران هراسی است که از سوی آمریکا، اسرائیل و عربستان در منطقه و جهان پخش شده است. ایران را کشوری خشونت طلب، ضد حقوق بشر و دموکراسی نشان می دهند که مدام در حال اعدام و اجرای خشک احکام مذهبی است که هدف نهایی شان گرفتن منطقه و صدور انقلاب به جهان است. کافی است به گزارش های راهبردی، کتاب ها، پژوهش هایی که هر سال در مورد تحولات سیاسی ایران چاپ می شود بنگرید تا این تصویر که در رسانه ها نیز ترویج پیدا کرده است، نمایان شود. ایرانیان به علت استبداد و وابستگی رژیم پهلوی و توسعه ناموزن داخلی او محمدرضا شاه را سرنگون کردند و در یک انقلاب سراسری با دال ها و

گزاره‌های مذهبی به رهبری امام جمهوری اسلامی را شکل دادند. برخی از شاخص‌ها و عناصر، ریشه در اندیشه انقلابی دارد. جمهوری اسلامی دارای جهان زیست انقلابی است و در ادبیات علوم سیاسی انقلابی بودن شاخص‌هایی دارد.

جهان زیست انقلابی جوی متحد مبتنی بر وحدت وجود دارد که در آن انسان‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و به قصد رسیدن به یک هدف یکدیگر را یاری می‌دهند. جنبشی سراسری که بر ترس و زندگی روزمره غلبه می‌کند و آرامش و شادی بالا به همراه دارد. در ابتدای شکل‌گیری انقلاب تنها کسانی که به انقلاب اعتقاد داشتند، پیشگام بودند و کم‌کم توده مردم به آنها ملحق شد. هر چه خطرات و هزینه‌های اقدامات رادیکال انقلابی کمتر باشد مردم بیشتر به صف مبارزه اضافه می‌شوند. انقلاب پیروز می‌شود و مردم موفق می‌گردند، سیاستمداران محافظه کار را که قوانینی جهت تثبیت وضع موجود طراحی می‌کردند، سرنگون ساخته و جوانان و انقلابیون، راس هرم حاکمیت را تصرف می‌کنند. مردم همچنان در خیابان هستند و دوست دارند روزهای مهربانی، یاری، همکاری و آرمان‌گرایی انقلابی تمام نشود اما بعد از چندی باید برای امور معاش به خانه بازگردند. جنگ قدرت در لایه‌های بالایی انقلابیون شروع می‌شود و احزاب و گروه‌های اندکی با پشتیبانی رهبر انقلاب و مردم می‌توانند مناصب سیاسی را برای حزب و فرقه خود نگهداری کنند. رهبران و سیاستمداران انقلابی سعی می‌کنند جو حاکم بر انقلاب را حفظ کنند.

ضدیت با بوروکراسی یکی از شاخص‌های انقلابی‌گری است. اداره یا سازمان‌سالاری نوعی کاغذبازی وقت تلف کن به حساب می‌آید که باید همه تشریفات آن کنار زده شود و کارها با شدت و سرعت بالا انجام گیرد. در هر حال به مستضعفان و طبقات پایین باید رسیدگی شود چرا که شعار انقلاب دادن شغل، مسکن، بیمه و خدمات اجتماعی به این طبقات بوده است. سیاستمدارانی که اغلب از روستاها، حاشیه شهرها و طبقات پایین می‌باشند در همه سیاست‌گذاری‌های خود باید محرومان را مدنظر قرار دهند. استفاده از جمعیت جهت تایید کارها و به صحنه درآوردن مردم برای زنده نگهداشتن یاد انقلاب نیز از شاخص‌های جهان زیست انقلابی است. این جوانان انقلابی طرفدار طبقات پایین و ترویج دهنده سیاست‌های خیابانی به سمت تشریفات‌زدایی از نهادها و ساختار وزارت امور خارجه حرکت می‌کنند. اشراف و کهنه‌سواران دیپلماسی کشور کنار زده می‌شوند و نیروهای جوان انقلابی وارد کادر وزارت

امور می گردند. تشریفات و فنون دیپلماسی محافظه کارانه کنار گذاشته می شود و الگوی انقلابی به نفع مستضعفان و محرومان جهان در دستور کار قرار می گیرد. جنبش های مختلفی که با فردگرایی، سرمایه داری، غرب، استبداد، استعمار و اسرائیل مشکل دارند، به عنوان محور مقاومت شناسایی و از طرف انقلابیون به رسمیت شناخته می گردد. حمایت از کشورهای مظلوم، ستم دیده، آفریقایی ها و حمایت از مبارزه کشورهای استعمار شده، در اهداف سیاست خارجه انقلابی ایران دیده می شود.

همه این موارد الزاما به سمت خشونت و ضدیت با صلح حرکت نمی کند. ایران اغلب در برابر بلوک شرق و غرب در زمان جنگ سرد استقلال فکری داشت و انقلابی گری ایران گونه ای عدم تعهد و وابسته نبودن به شوروی و آمریکا بود. ایران همان طور که با آمریکا اختلاف داشت و رفتارهای سرمایه داری را نقد می کرد با شوروی و تفکرات مارکسیستی نیز میانه خوبی نداشت همچنین محتوای انقلابی گری ایران با ماتریالیستی مخالف بود. ایران کشوری انقلابی با هدف حفظ استقلال و روایتی آرمان گرایانه در سیاست خارجی است که پشتیبانی فرهنگی و دیپلماتیک از جنبش ها و کشورهای تحت ظلم و ستم می نماید. این شیوه اغلب باعث ایجاد صلح و امنیت در منطقه شده و سیاست خارجی ایران به نسبت پاکستان، عربستان، ترکیه و اسرائیل دارای وجوه اخلاقی و آرمانی است که به نفع مردم عمل کرده است. گسترش تروریسم و جنگ نتیجه اقدامات آمریکا و اسرائیل در منطقه بوده است و ایران با جریان های تکفیری با درخواست عراق و سوریه در حال جنگ است. ایران از حزب اله لبنان حمایت می کند و این جنبش انقلابی از همه مردم لبنان در برابر ظلم اسرائیل دفاع می کند. هر کجا آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی قدم گذاشت و پایگاه نظامی ایجاد کرد، امنیت و ثبات خاورمیانه را به هم ریخت. گزاره های انقلابی در جمهوری اسلامی ایران دارای مبانی اخلاقی و الهیاتی است که با تفکرات مارکسیستی قابل جمع نیست. یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ترویج الگوی باثبات، اخلاقی و صلح دوستانه در منطقه برای کشورهای اسلامی است که اغلب با دشمنی کشورهای منطقه و جهان رو به رو شده است. در جهان زیست انقلابی ایران بر داشتن استقلال و مقاومت در برابر ظلم و استعمار تاکید شده است که نوعی عزت نفس و خودباوری در آن به چشم می خورد. در قانون اساسی اصل سوم آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار

برده یکی از آنها عبارت است از: طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، نظم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان (قانون اساسی: اصل سوم).

امام خمینی^(ع) عزت، اعتماد و استقلال ایران را بازگرداند و باعث گردید مسلمانان به قدرت خویش در پایان قرن بیستم پی ببرند. الگوی انقلاب ایران از سوی گروه های تکفیری با حمایت های مختلف در حال تحریف و تعریب شدن است به گونه ای که داعش دشمن اصلی خود را ایرانیانی می داند که با برچسب رافضی، صفوی و مجوس آنها را خطاب می کند. به زودی اروپا و غرب خواهند فهمید که برای حمایت از کشورهای استبدادی منطقه چه خطراتی را برای جهان ایجاد خواهند کرد. گروه های تکفیری ضد ایران بعد از مدتی از جنگ های نیابتی منطقه کنار خواهند رفت و بر ضد تشکیل دهندگان خود قیام خواهند نمود. غرب برای منافع کوتاه مدت خود ویروسی هوشمند را طراحی کرده است که به زودی به جان اروپا خواهد افتاد.

۵- صلح در پدیدار انسانی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی ایران اصل چهاردهم آمده است: "به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديارکم ان تبروههم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند» (قانون اساسی: اصل ۱۴). جهان زیست آخر مربوط به اقداماتی است که فارغ از ایدئولوژی و ایسم های مختلف برای همه انسان ها فارغ از دین، نژاد، جنسیت و ملیت صورت می گیرد. اقدامات بشر دوستانه و صلح طلبانه ای که از سوی اغلب بازیگران بین الملل صورت می گیرد و سازمان ملل در این زمینه پیشگام است. بخصوص در بحران های بزرگ مثل جنگ، نسل کشی، زلزله، سیل و ... کشورها در محیط بین الملل به کمک انسان ها می آیند. این اندیشه ابتدا از سوی فیلسوف آلمانی کانت مطرح شد که نیاز به سازمانی است که در آن همه انسان ها بتوانند به یکدیگر در سطح جهان یاری برسانند. جامعه ملل و بعدها سازمان ملل بر اساس این اندیشه شکل گرفتند که هرج و مرج و آنارشیک حاکم بر فضای بین الملل را کاهش و روابط انسانی مبتنی بر اخلاق بشر دوستانه را افزایش دهند.

ایران نیز در اقدامات خود بخصوص در زمینه میانجی‌گیری، کمک به سیل‌زدگان و آسیب‌دیدگان جنگ فعال بوده است. در قانون اساسی چنین موردی دیده نشده اما به صورت عملی جمهوری اسلامی ایران اقدامات صلح‌گرایانه و بشر‌دوستانه زیادی انجام داده است. این جنبه تاکنون در ایران جدی گرفته نشده بویژه در بعد تئوریک و الزامات تکنیکی آن غفلت شده است. با توجه به اینکه بازنمایی فارغ از ایدئولوژیک، مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهان است حتی کشورهای جنگ طلبی چون آمریکا که به عراق، افغانستان و کشورهای دیگر حمله می‌کنند و بر سر مردم بمب می‌اندازند، بلافاصله بازیگران هالیوود، نهادهای بهداشتی، آموزشی و هنری خود را به منطقه ویران شده، سرازیر می‌کنند و ژست بشر‌دوستانه و صلح‌طلبانه می‌گیرند. در حالی که ایران در مبارزه با تروریست‌ها به کمک دولت‌های سوریه و عراق رفته است و در افغانستان، لبنان، پاکستان و بسیاری از کشورهای همسایه کمک‌های بشر‌دوستانه انجام می‌دهد اما انعکاسی از این عملکرد دیده نمی‌شود. در همه جهان زیست‌های شیعی، ملی، اسلامی و انقلابی رگه‌های صلح‌بشر‌دوستانه وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران کشوری است که بر اساس اخلاق و آرمان‌گرایی حکمرانی می‌کند. یاری دادن مظلومان، دخالت نکردن در امور کشورها، امتناع از دادن پایگاه نظامی به کشورها، احترام به تعیین حق سرنوشت، گفتگو با ملت‌ها و اعتقاد به دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عملی ایران دیده می‌شود اما به لحاظ نظری و داشتن برنامه منسجم هنوز طراحی نشده است. مراکز موازی با بی‌برنامه‌گی و اغلب در ناهماهنگی با یکدیگر، سیاست خارجی صلح‌گرا و بشر‌دوستانه ایران را جهت‌دهی می‌کنند که گاهی باعث ایجاد مشکل می‌گردد. بودجه‌های زیاد بدون پاسخگویی، نهادهای موازی، نداشتن اولویت در سیاست‌گذاری روابط خارجی ایران در بعد ارتباط با ملت‌ها و موضوع صلح یکی از ضعف‌های جدی جمهوری اسلامی است. به لحاظ مبنایی و اصول انقلاب اسلامی هیچ تضادی بین آرمان‌ها و اندیشه‌های صلح‌گرایی انسانی و انقلاب اسلامی وجود ندارد اما این جهان زیست بعدی مغفول، به حاشیه رفته و فراموش شده است که باید تقویت گردد.

نمودار شماره ۲: پیدارشناسی صلح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پدیدار صلح	تعریف	قانون اساسی	نمود عینی	آسیب شناسی	راهکار
اسلامی	حمایت از مسلمانان جهان	وحدت و امت جهان اسلام	امت اسلامی	تضاد شیعه - ایرانی با منطقه	ارتباط با دولت ها
شیعی	حمایت از شیعیان	ندارد	حزب اله	درگیری با عربستان	ارتباط با دولت ها
ملی	حفظ منافع ملی کشور	تمامیت ارضی	واقع گرایی	آسیب ندارد	تقویت گردد
انقلابی	حمایت از مستضعفان جهان	مستضعفان جهان	جنبش های انقلابی	درگیری با سرمایه داری	افزایش دیپلماسی
انسانی	اخلاقی انسانی	ندارد	صلح بشردوستانه	آسیب ندارد	تقویت گردد

نتیجه گیری

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است (قانون اساسی: اصل ۱۵۲). جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می کند» (قانون اساسی: اصل ۱۵۴).

الیور روآ در دوران پس از جنگ کتابی با محوریت ایران و از تجربه شکست اسلام سیاسی نوشت به گونه ای که پس از او اغلب پژوهش ها و نوشته ها در مورد انقلاب اسلامی براحتی از شکست، نابودی و متلاشی شدن اسلام سیاسی ایران نام می بردند (Roy 2007). این نوشتار سعی

داشت این بازنمایی و تحلیل‌های مغایر با واقعیت را به چالش بکشد و از منظر پدیدارشناسی با تعلیق تمام نگره‌های منفی و سازه‌های رادیکالی که در باره ایران وجود دارد، جهان زیست صلح محور ایران را تحلیل کند. از منظر پدیدارشناسان جهان آنگونه ساده و بدیهی نیست که به نظر می‌آید و باید جسارت اندیشیدن را برای درک واقعیت داشته باشیم. پدیدارشناسی اعتقاد دارد با ذهنیت ریاضی و مهندسی و با تکیه بر داده‌هایی که در قصدیت‌های مختلف مدرن تولید می‌شود، نمی‌توان اندیشه و کنش سیاسی جمهوری اسلامی ایران را شناخت. باید کمی در آگاهی‌هایی که چون کلیشه‌های تکراری در حال تقویت شدن است، شک کرد و به اصل واقعیت رجوع نمود. در اصل واقعیت متون، اندیشه و کنش‌های سیاست ایران قرار دارد که رگه‌های قدرتمندی از نخبه‌گرایی، واقع‌گرایی، محافظه‌کاری و توجه به صلح یافت می‌شود. اگر ایران همانند داعش و گروه‌های تندرو در جهان است چرا همیشه ثبات رفتاری داشته است و چرا جمهوری اسلامی از هم نپاشیده است؟ اگر ایران دارای نظام سیاسی تروریستی و اندیشه آن ضد حقوق بشر است چرا برای دستیابی به صلح در منطقه، چاره‌ایی جز راهکار ایران وجود ندارد؟ اگر امام خمینی^(۵) اندیشمند و سیاستمداری رادیکال و جنگ طلب است چرا در منطقه هر کجا قصد رسیدن به صلح و دموکراسی دارند و در برابر افراط‌گرایی مقاومت می‌کنند، طرفداران حضرت امام هستند؟ پدیدارشناسی، منتقد تحقیقات و گزاره‌های کلیشه‌ای است که واقعیت را وارونه تفسیر می‌کنند.

در سال ۲۰۱۵م هنوز دیدگاه دنیا به ایران مسالمت‌آمیز نشده و این بینش از انقلاب اسلامی و مسئله گروگان‌گیری شروع شد و تا به امروز در زمینه انرژی هسته‌ای و مسائل سوریه تداوم دارد. ایرانیان در سیاست‌های منطقه‌ای نسبت به ترکیه، عربستان، قطر، پاکستان و حتی آمریکا و اسرائیل مسالمت‌آمیزتر و عقلانی‌تر عمل کرده‌اند. در سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران وحدت‌گرایی و اخلاق‌گرایی بسیار دیده می‌شود به نحوی که همیشه جانب مردم، مظلومان و آسیب‌دیدگان را می‌گرفت. از زمانی که داعش در منطقه قدرت‌نمایی خود را آغاز کرده است اگر ایران به کمک سوریه و بخصوص عراق نمی‌رفت و امکان ظهور روسیه در منطقه را فراهم نمی‌ساخت، اکنون درصد قابل توجهی بیش از میزان فعلی در اختیار خلافت تندروی داعش بود. نظم خاورمیانه به هم ریخته است، مهاجرت به شهرها، بیکاری جوانان، وضعیت خشکسالی و فقر باعث شده است که با مهاجرت مسلمانان تحقیر شده در اروپا روایت‌های بنیادگرایانه

تروریستی مجال بروز پیدا کنند. یکی از دولت ها و روایت های عقلانی و خردمند در منطقه که می تواند بحران ها را مدیریت کند، ایران است. ایران کشوری است با سابقه تداومی از ایران باستان که تا کنون دچار گسست شاخص های دولت نشده و از سوی استعمار یا خطوط جعلی جغرافیایی، ایجاد نگردیده است. ایران به وسعت تاریخ وجود داشته است و دارای نظام معنایی مستقل و قدرتمندی است که امروزه در بحران های خاورمیانه نمی توان آن را نادیده گرفت. حتی زمانی که ایران ابرقدرت دنیا بود و در عصر باستان نیمی از خشکی های زمین را در اختیار داشت، رفتارهای ناشیانه و جنگ طلبانه ابرقدرت های امروزی را انجام نداد. سرآغاز تمدن ایرانی با نكوهش جنگ و ستم و دفاع از حقوق بشر و احترام به عقاید با منشور کوروش آغاز شده است. ایرانیان هر کجای دنیا حکمرانی کرده اند به نام دولت، آبادانی و شکوفایی فعالیت داشته اند. قنات، قلعه، وقف، کشاورزی، آبیاری، صنعت و تجارت، علم و دانش از شاخص های حکمرانی ایرانی است که برخلاف کشورهای ابرقدرت امروز صلح، رواداری، مدارا و همزیستی مسالمت آمیز در میراث نیاکان ایرانی نهفته است. برخلاف آمریکا که هر کجا قدم می گذارد و پایگاه می زند روی آرامش و صلح را از آن منطقه می برد، ایرانیان چنین نبوده اند و ضروری است سیاستمداران آمریکا کمی در مورد آداب و سلوک هخامنشیان مطالعه کنند تا رسم و سنت ابرقدرتی را بیاموزند. غرب ایران را همانند سایر کشورها و جنبش های اسلامی می نگرد و توان جدا کردن ایران از سایر بازیگران تروریستی را ندارد.

در این پژوهش با استفاده از پدیدارهای حاکم بر قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران تحلیل گردید که ایران کشوری است که در آن مبانی صلح وجود دارد. ایران قصد تزریق زور آمیز هیچ ایدئولوژی به جهان را ندارد و اگر وارد جنگ و مناسبات خشونت آمیز گردید به دلیل تجاوز آشکاری بود که به تمامیت ارضی ایران صورت می گرفت. ایران به دنبال بمب هسته ای نبوده و همیشه از راه دیپلماسی و منطق خرد با دنیا مذاکره کرده است. ایران کشوری ضد حقوق بشر نیست و مکانیسم های دموکراسی، انتخابات، حوزه عمومی در آن به نسبت سایر کشورهای خاورمیانه به وفور یافت می شود. در ایران همه مناصب سیاسی انتخاب می شوند و پاسخگوی شهروندان هستند. نظارت وجود دارد و چرخش نخبگان در آن دیده می شود. ایران دارای حزب و جناح سیاسی است و این تصویر خشونت آمیز و تروریستی که از ایران ترسیم گردیده است، ناشی از قصدیت های کشورهای ظالم و استبدادی است که تفاوت فرهنگی با ایران دارند اما

سود آنها در انزوای ایران است. مبانی انسانی، اسلامی، ملی و شیعی ایران همه دارای روایت‌های محکم و انعطاف‌پذیری از صلح‌گرایی است که می‌تواند به عنوان الگو در منطقه مورد استفاده قرار بگیرد. مکانیسم اجتهاد، مصلحت، شورا و خرد جمعی در فقه سیاسی شیعه، تکنیک عقل معاش‌گرا و فنون آبادانی دنیا در اندرزنامه‌های ایرانشهری، روایت‌های متساهل و رندانه عرفان ایرانی به همراه انسانیت‌گرایی در تفکرات راست و چپ جدید در ایران صلح‌اندیشی را امکان‌پذیر ساخته است. در بعد عملی نیز ایران هیچ‌گاه به کشوری لشکرکشی نداشته، پایگاه نظامی نساخته، بمب اتم و موشک به شهری شلیک نکرده و باعث آشوب و هرج و مرج یا کودتا در کشوری نشده است. اغلب این رفتارهای جنگ‌طلبانه و خشونت‌آمیز را کشورهای عربی و آمریکا مرتکب شده‌اند و آنقدر در این زمینه غیرمسئولانه رفتار کرده‌اند که صلح منطقه را از بین برده‌اند. اسلام ستیزی غربی‌ها باعث شده است امواج تروریسم و پناهندگی به کشورهايشان روانه شوند و این بلا دامن‌گیر آنها گردد.

حمله‌کنندگان به سازمان تجارت جهانی، عملیات‌های انتحاری و بمب‌گذاری در مادرید، لندن، پاریس، بیروت و بغداد ایرانی نبودند و همه می‌دانند از سوی چه کشورهایی و پیامد چه اقداماتی هستند. ایرانیان به لحاظ مبانی اندیشه و کنش سیاسی مخالف خشونت هستند و انقلاب اسلامی ایران علی‌رغم آنچه رسانه‌ها بازنمایی می‌کنند، طرفدار صلح و مروج انسانیت و رواداری است. ایران نه سلطه می‌پذیرد و نه سلطه‌گر است نه پایگاه نظامی در کشورهای دیگر دارد و نه اجازه می‌دهد کشورهای دیگر در خاک ایران پایگاه داشته باشند. ایران در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نمی‌کند مگر اینکه ملت یا دولت‌های تحت ظلم و ستم از ایران یاری بخواهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: "جمهوری اسلامی، نظامی است: بر پایه ایمان به نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند" (قانون اساسی: اصل ۲). ایران با همه کشورهای غیرمحارب رابطه دارد و بر عهد و پیمان خود پابرجا است. پیامبر باستان ایرانیان راستی و صلح را جوهره دین خود می‌دانست و پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) نیز اخلاق و راستی را از نشانه‌های ایمان و مسلمانی می‌دانستند. ایرانیان در فرهنگ باستانی، اسلامی و شیعی خود همواره طرفدار صلح بوده‌اند و انقلاب اسلامی نیز بازگشتی به این سنت‌ها محسوب می‌گردد.

منابع

۱. اسلامی، روح اله. (۱۳۹۴). **سیاست به مثابه تکنیک**. تهران: خرسندی.
۲. جمادی، سیاوش. (۱۳۸۵). **زمینه و زمانه پدیدارشناسی**. تهران: ققنوس
۳. رشیدیان، عبدالکریم. (۱۳۸۴). **هوسرل در متن**. تهران: نی.
۴. سعدی، مصلح الدین. (۱۳۷۷). **بوستان**. تصحیح محمد علی فروغی. تهران: رجیبی.
۵. شریعتی، علی. (۱۳۹۰). **علی حقیقتی بر گونه اساطیر**. موسسه بنیاد تحقیقاتی دکتر علی شریعتی.
۶. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). **شاهنامه**. تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی. ج. ۸.
۷. فیرحی، داود. (۱۳۹۳). **دین و دولت در عصر مدرن**. تهران: رخداندنوج. ۲.
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :
<http://www.parliran.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=219>
۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). **خدمات متقابل اسلام و ایران**. تهران: صدرا.
۱۰. ملایری، محمد. (۱۳۷۵). **تاریخ و فرهنگ ایران**. دل ایرانشهر. تهران: انتشارات توس. ج. ۲.
۱۱. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۸). **ایمان و دانش**. ترجمه فرزین بانکی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. هایدگر، مارتین. (۱۳۸۶). **وجود و زمان**. ترجمه محمود نوالی. تبریز: موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز.
۱۳. هوسرل، ادموند. (۱۳۸۱). **تأملات دکارتی**. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.
14. Arjomand, Said Amir. (1988). *the turban for the crown, The Islamic revolution in Iran: oxford*.
15. Axworthy, Michael. (2013). *revolutionary Iran*. London: penguin book.
16. Ehteshami, Anoushiravan& Mahjoob, Zweiri. (2008), *Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad*, Published by Ithaca Press.
17. Honarbin, Mehri.(2010).. *Becoming Visible In Iran Women In Contemporary Iranian Society*. London And New York: Tauris Academic Studies.
18. Hunter, Shireen T. (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era, Resisting the New International Order*. London: Praeger.
19. Marschall, Christin. (2003). *Iran's Persian Gulf Policy From Khomeini To Khatami. Usa And Canada By Routledgecurzon*.
20. Ramazani, R.K.(2001). *Reflection of Iran's foreign policy: Defining the national interest .in the book: Iran at the crossroads-* edited by John L Esposito and R.k Ramazani. New York, Palgrave.

21. Ramazani, R.K.(2008) . Iran's Foreign Policy: Independence, Freedom and the Islamic Republic. in the book: Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad. Edited by Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, Published by Ithaca Press.pp 1-17.
22. Ricks, Thomas M. (1992). Power Politics And Political Culture Us-Iran Relations. In The Book: Iran Political Culture In The Islamic Republic Edited By Samih K.Farsoun And Mehrdad Mashayekhi .London And New York: Routledge.
23. Roy, Olivier.(2007) . the failure of political Islam, tranclated by Carol Volk. Newyor. Harvard College.